

این است که آیا من دولتمرد، مجلسی و حکمران وظایفم را در قبال آنچه که مردم می دهند انجام می دهم. من فکر می کنم که مردم حق طبیعی خود را می خواهند و حق طبیعی شان تا اینجا کار به طور کامل ایفا نشده است.

◀ به نظر شما جامعه ایده آل جامعه ای است که هم مردم زندگی معمولی و عادی خودشان را داشته باشند و هم ما یک نظام حکمرانی مبتنی بر پاسخگویی و کارآمدی داشته باشیم؟  
نظام حکمرانی صد در صد باید مبتنی بر کارآمدی و پاسخگویی باشد و این تنها فقط مختص حکمرانی نیست. نقش های مختلف حوزه شهروندی از جمله احزاب هم باید نقش خود را به درستی ایفا کنند. چون نمی توانیم انتظار یک مجلس درست و یک دولت دقیق را داشته باشیم اما بینیم هر جریان سیاسی ۳۰ الی ۴۰ حزب دارد. در حالی که کشورهای توسعه یافته دو الی سه حزب بیشتر ندارند. من فکر می کنم که شهروندان ما حداقل تا اینجا کار به لحاظ عملکردی نمی گویم بی نقص بودند اما حداقل نسبت به ما نقش درست تر و بهینه تری بازی کردند. شما بیا بید همه نقشها را ببینید در جنگ، مردم هشت سال جنگیدند، در تحمل تحریم مردم همزمان با سیاست های اعمالی به خوبی همدردی و تحمل می کنند. مردم در هر شرایطی در انتخابات حضور دارند و فعالیت می کنند.

◀ ۳۷ سال است معاونت توسعه روستایی و محرومیت زدایی شکل گرفته که نشان دهنده این است که مسأله توسعه روستاها و محرومیت زدایی بعد از ۳۷ سال همچنان حل نشده است. یعنی انگار همیشه محرومیت های جدیدی خلق می شود. شما چه تصویری از حوزه مأموریتی خود در دولت دارید؟ ایراد کار کجاست؟

البته ما سه ماه دیرتر سوار قطار دولت شدیم و حقیقتاً به دنبال پاسخ به سؤال شما در این حوزه هستیم. اینکه



**من فکر می کنم که شهروندان ما حداقل تا اینجا کار به لحاظ عملکردی نمی گویم بی نقص بودند اما حداقل نسبت به ما نقش درست تر و بهینه تری بازی کردند. شما بیا بید همه نقشها را ببینید در جنگ، مردم هشت سال جنگیدند، در تحمل تحریم مردم همزمان با سیاست های اعمالی به خوبی همدردی و تحمل می کنند. مردم در هر شرایطی در انتخابات حضور دارند و فعالیت می کنند.**

ظرفیت ها تبدیل به اهرم و گرانیگاه توسعه شما می شوند.

در نگاه محرومیت زدایی شما می گوید محروم کجاست؟ جایی که گاز، برق یا آب ندارد. در استان هرمزگان ما تعدادی روستاهای خالی از سکنه داریم که تعداد زیادی از آنها همه زیرساخت ها را دارند. در واقع فقر از یک نقطه به حاشیه کلانشهرها جا به جا شده است. بعد شما می گوید که آقای حسین زاده شما دارید می گوید برنامه نبوده است. من می گویم نرسیدن پیام دلیل بر بد بودن آن نیست. ما نتوانستیم درست اجرا کنیم و واقع بینانه برنامه ریزی کنیم. امریکا در سال ۱۹۷۰ شروع به گازسانی روستایی کرد اما در ۱۹۸۰ برای همیشه آن کار را تعطیل کرد و گفت پرهزینه است.

توسعه یعنی اینکه شما می توانید به یک استان گاز برسانید اما برای این عملیات دو و نیم میلیون دلار لازم دارید. بنابراین، این پروژه را کنار می گذارید و از پنل خورشیدی استفاده می کنید. کاری که همه دنیا انجام می دهند. من با آن زاویه دید که دیگران خواستند یا برنامه توسعه خواست و نشد، پس شما هم نمی توانید مخالفم. شما می پرسید چگونه می توانید محرومیت زدایی کنید.

وقتی یک دستگاه بین بخشی هستید سیاست گذاری، هماهنگی و برنامه ریزی می کنید. من توسعه نامتوازن را متوازن می کنم. ما اعتباراتی در اختیار داریم و یکسری مصوبات را هم از دولت می توانیم دریافت کنیم تا عامل ناظر بر توسعه یا به قول شما محرومیت زدایی باشیم. من می گویم آقای وزیر، فلان شاخص شما چه کمی و چه کیفی در این استان ها زیر میانگین کشوری است و در فلان استان ها بالای میانگین کشوری است. من کار اجرایی نمی کنم و دخالتی هم در آن ندارم. اما می گویم پروژه را جایی ببر که من می گویم و به آن روش که من می گویم انجام بده تا بتوانیم این توسعه را متوازن کنیم. اتفاقاً اشتباهی که رخ داده جایی بوده که ما خواستیم مجری باشیم و نخواستیم سیاست گذار باشیم. به عبارتی ترک فعل کردیم. وظیفه خود را انجام ندادیم. ما به جای سیاست گذاری در ادوار گذشته در اصلاح ورود کردیم.

◀ چطور مأموریت مناطق دارای محرومیت مشخص می شود؟ شاخص ها کدامند؟

شاخص ها کمی بوده و در سال ۸۸ در سازمان برنامه تدوین شده و شاخص هایی

چه کردیم، چه کارهایی صورت گرفته، مشکلات چیست و به کدام سو حرکت کردیم. اولین پرسشی که من از خودم پرسیدم این بود که آیا مسیر، مسیر درست بوده و اگر درست بوده فقر و محرومیت چرا کاهش پیدا نکرده است. چرا افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی اضافه شدند و چرا نهادهای حمایتی اساساً به عنوان یک نقطه مثبت این را ادا می کنند که ما تعداد افراد تحت پوشش مان را امسال افزایش دادیم. ما واقعاً نیاز به تغییر رویکرد داریم. زیرا به نظر می رسد چنان که باید به دنبال محرومیت زدایی نیستیم.

البته در معاونت تحت مسئولیت من با این واژه محرومیت زدایی مخالفم و معتقدم باید نگاهمان این باشد که به دنبال توسعه ایم.

◀ معاونت توسعه روستایی و محرومیت زدایی بیشتر یک مجموعه هماهنگ کننده است تا مجری. آیا این کارویژه توانایی هماهنگی و اجرا برای تحقق این چشم انداز و هدف گذاری را خیلی سخت نمی کند؟

در نگاه توسعه ای شما می روید بررسی می کنید که فلان نقطه روستایی یا شهری چه ظرفیت هایی دارد. بعد آن